

رفرمیستها و تهیه طومار در رابطه با شکل کارگری !

فوریه ۲۰۰۵ : بیژن شفیع

در شرایط حساس کنونی که مبارزات دوره چند ساله اخیر طبقه کارگر ایران مستقل از سطح مطالبات و نیز گسستگی و بی پیوندی ، اما با استواری و ثابت قدمی هرچه بیشتر در مقابل سرکوب رژیم سرمایه داری اسلامی و تهدید ، ارباب و ترفندهای کارفرماها و کل طبقه سرمایه دار، ادامه دارد و میتواند در همین فضای سرکوب و خفقان سلطه سرمایه ، فرصت راهگشایی سازمانیابی مضمون ضد سرمایه داری جنبش کارگری با افق لغو کارمزدی و هدف سازماندهی آلترناتیو سوسیالیستی وضع موجود شود . بدیهی است که فعالین کمونیست جنبش کارگری و هر جمع پیشرو کارگری که به هر درجه عمق یافتگی و دامنه نفوذ ، گرایش طبقاتی طبقه کارگر را تقویت میکنند، نمیتوانند نسبت به تدابیرگرایشات بورژوازی برای جنبش کارگری مثل تکاپوی تهیه طومار دوازدادی ، بی تفاوتی نشان بدهند و از پرداختن به آن اجتناب نمایند .

درحاشیه:

طومار مورد نظر ، در سایت «آوای کار» که مربوط به یکی از محافل داخل کشور گرایش رفرمیستی است ، درج شده است که تا بحال حاوی بیش از دو هزار امضا میباشد و طبق مصاحبه آقای ثقفی خراسانی یکی از دست اندرکاران تهیه این طومار با نشریه «شهروند» در کانادا ، امضاها بیش از این تعداد است و ارسال امضاها هم ادامه دارد . تهیه کننده این طومار «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران» ذکر شده است و نیز اضافه شده است که تنها منبع رسمی در خصوص اخبار و اطلاعاتی های این کمیته سایت «آوای کار» و سایت «شورا» (که جدیداً بکار افتاده است) میباشد _البته اگر به سایت «شورا» رجوع شود و به آنچه در لینکهای مختلف در مقایسه با محتویات سایت «آوای کار» درج شده توجه شود ، تفاوتهایی که دربرگیرنده گریزهای ناپیگیریست ، به جلوه هایی از رادیکالیسم مشاهده می شود .

در حال حاضر سایتی که مربوط به جریانها و محافلی از همین گرایش رفرمیستی علیرغم ادعاها ، توجیهات سیاسی ، اختلافات و دعواییشان و نیز نامی که برگزیده اند میباشد، به نصب این طومار مبادرت نموده اند. سایت روزنه بر عکس بقیه که مستقیماً عنوان خبری طومار را به سایت «آوای کار» لینک داده اند ، صفحه ای در نظر گرفته است که با باز کردن آن ، ابتدا یادداشت خانم شهلا دانشفر در وصف این طومار درج شده است . در زیر این یادداشت نوشته شده است " نامه اعتراضی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران به سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان بین المللی کار (آی ال او) " و در زیر همین توضیح ، طومار با خطاب به سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان جهانی کار (آی ال او) آورده شده است . متعاقب آن ، در شماره نشریه انترناسیونال (شماره ۷۵) خانم دانشفر دوباره در وصف "رادیکال" ، "مدرن" و "پیشرو" بودن این حرکت قلمفرسایی نموده اند؟! و باز تأکید کرده اند که مخاطبین این طومار سازمانهای کارگری در سراسرجهان و سازمان بین المللی کار هستند .

طومار مورد نظر به وزارت کار رژیم اسلامی سرمایه ، سازمانهای کارگری و نهاد بورژوازی جهانی تنظیم کننده

رابطه کار و سرمایه، سازمان بین المللی کار (آی ال او) نوشته شده است. اما سایت مزبور، مخاطب اصلی تهیه کنندگان طومار دو خردادی را که وزارت کار رژیم اسلامی میباشد سانسور کرده است. در صورتیکه، آقای ثقفی خراسانی از دست اندرکاران تهیه طومار در مصاحبه شان با نشریه «شهروند» در کانادا میگویند: "اعتقاد ما بر آن است که طرف صحبت ما وزارت کار است" یعنی مخاطب اصلی را که وزارت کار رژیم اسلامی میباشد تأکید نموده اند و گذشته از این، در متن طومار هم از آن به صراحت نام برده شده است. لیکن سایت روزنه، ناشیانه به کاهدان زده است و وزارت کار رژیم را که تهیه کنندگان طومار به آن دخیل بسته اند، سانسور کرده است. این نمونه فقط درحاشیه هدف این نوشته آورده شد تا رادیکال نمایی و گوشه ای از "پرنسیب" مسخ شدگان فرقه ها نشان داده شود.

تکاپو با پرچم پوسیده دو خردادی:

مدتی است که تلاشی «جبهه دوخرداد» صورت گرفته و نیروها و بازیگران اصلی اش تجزیه شده اند. طیف نیروهای گرایشات بورژوازی در اپوزیسیون که در هیاهو دوخرداد ذوب شده بودند و بساط پهن میکردند، از نهضت آزادی، جبهه ملی، دیگر باصطلاح ملی-مذهبی ها گرفته تا طیف توده ای-اکثریتی و دیگر جمهوری خواهان و بخشی از سلطنت طلبها نیز از دور دوم انتخاب خاتمی، بمرور بازی با تیله دوم خرداد را در بازار سیاست کنار گذاشتند. نیروها و سخنگویان این جریان که بنام «جبهه دوم خرداد» طرح بودند، در رابطه با طبقه کارگر آنچه که تدبیر میکردند و در دعوای جناحی برای دست بالا پیدا کردن در جهت کنترل جنبش کارگری و جلوگیری از پیشروی آن بکار میگرفتند تا در مذاکره با سازمان جهانی کار (آی ال او) که از یکطرف بایستی سفارشات سازمان تجارت جهانی را تأمین کند و از سویی بایستی تسهیل کننده پروژه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول باشد، "نمایندگی" طبقه کارگر را یدک بکشند، از بعد انتخابات مجلس هفتم رژیم اسلامی، کنار گذاشته شدند و ایفای این نقش بنابر صلاحدید نظام و مقتضیات سرمایه به «خانه کارگر» سپرده شد. سران جمهوری اسلامی بدرستی تشخیص دادند که اگر قرار است زیر لوای مقوله نامه های سازمان جهانی کار (آی ال او)، لزوماً مسئله تشکل کارگری بگونه ای حل و فصل شود که سرکوب و کنترل جنبش کارگری، ظاهر قانونی هم بیابد، مسئولین «خانه کارگر» و «شوراهای اسلامی کار» مستقل از پیوندهای نزدیکترشان با ترکیب مجلس هفتم و نیز مستقل از اینکه هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور بعدی باشد یا نباشد. برای کل رژیم قابلیت و مشروعیت بیشتری دارند و این نیز، مورد استقبال سازمان جهانی کار (آی ال او)، واقع شد و به همین بابت است که آخرین تفاهم نامه ها را با «خانه کارگر» بجای مشارکتهای دوخردادی که تاریخ مصرف شان به اتمام رسیده بود، توافق کردند.

در طی روندی که تق «جبهه دوخرداد» در میامد، گرایشات بورژوازی در اپوزیسیون هم که دیگر متوجه شده بودند آبی با هیزم «جبهه دوخرداد» وعده گرم کردنش را نمیشود داد، با جمع شدن آنها و منشورنویسی سعی کردند بتدریج بجای «جبهه دوخرداد» به مشاطه گری بپردازند و در حال حاضر هم از داخل و خارج دست بکار شده اند. البته تا اتمام مضحکه انتخابات آتی ریاست جمهوری اسلامی. جای شعار مضمّنکننده «مردم سالاری دینی» را با فراخوان «رفراندم» پر نمایند. در ترکیب امضاکنندگان بیانیه «رفراندم» و خیل پیوستگان بعدی از دوخردادها و رژیم های سابق تا لیبرالها و ملی-مذهبی ها، طیف توده ای-اکثریتی و دیگر جمهوریخواهان و نیز سلطنت طلبها، یعنی تمامی نمایندگان گرایشات بورژوازی حضور دارند. روشن است چه با جمهوری اسلامی و چه بدون آن

مشکل اصلی اینها حفظ نظام سرمایه داریست. در این شرایط که جریان دواخردادی «جبهه مشارکت» که دست بکار تشکیل انجمن های صنفی (انجمن صنفی روزنامه نگاران و انجمن صنفی کامیون داران) مقبول سازمان جهانی کار هم شده بود، از دور خارج شده است، رفرمیستها که گرایش بورژوازی را در جنبش کارگری نمایندگی میکنند، تحرک بیشتری پیدا کرده اند. اینها اگر در تیرماه سال ۸۲ به وزیر کار دواخردادی، صفدرحسینی، تقدیرنامه مینوشتند و حمایت خودشان را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز میکردند رفرمیستها امید داشتند که در حاشیه مشارکتیها در رابطه با رایزنی با آی ال او، به بازی گرفته شوند. دراین مقطع با طومارنویسی، پرچم پوشیده دواخردادی را در رابطه با تشکلات کارگری سر دست گرفته اند.

قبل اینکه نگاهی به طومار و با رجوع به مصاحبه آقای ثقفی خراسانی از تهیه کنندگان آن ببینیم، خاطر نشان کنم بر طبق اطلاعیه هایی که تا کنون منتشر شده، غیر از جریان «راه کارگر» و ضمیمه اش «اتحادچپ» ، تابلو به دستان «بنیادکار» که وظیفه گزارش دهی به گای رایدر دبیرکنفدراسیون اتحادیه های آزاد - "کیمیای سعادت جنبش کارگری ایران" - را در صدر فعالیتهای توهم آفرینی خود قرار داده اند تا از او نامه های دیپلماتیک مرسوم چنین نهادهایی را طلب کنند، این طومار موردحمایت جماعتی از رفراندوم چی ها بنام «برای دمکراسی بر بنیاد منشور ۸۱» نیز واقع شده است. ضمناً تأکید کنم که کمیت امضاها که اکثراً هم از میان کارگران جمع آوری شده است، نشاندهنده سرمایه گذاری رفرمیستها بر توهم کارگران و عدم شناخت است و نمی تواند از زاویه منافع طبقه کارگر، تأییدیه طومار را گواهی کند، همانطور که تعدادی از تهیه کنندگان طومار، پیمانکار و صاحب کارگاه بودنشان که طبعاً در جهت رونق کسب و کارشان هم که شده برای جا انداختن راه حل دواخردادی در جنبش کارگری به تکاپو افتاده اند، ملاک قضاوت قرار داده نمیشوند.

اصل مطلب بر میگردد به اینکه طومار مورد بحث بر شالوده رفرمیسم که یک گرایش طبقاتی و از گرایشات سیاسی بورژوازی است نوشته شده و مبلغ تمکین به قوانین رژیم سرمایه داری اسلامی است. همانطورکه آقای ثقفی خراسانی در مصاحبه اش نام برده است، تنظیم کنندگان این طومار هم، محافل همین گرایش هستند - کافی است به سایت «آوای کار» و یا قطعنامه اول ماه مه «هیئت موسسان سندیکاها» که حال پسوند انجمن گرفته است مراجعه شود. روش کار این محافل هم اگر از بالای سر طبقه کارگر می باشد، دقیقاً انطباق با گرایش طبقاتی شان دارد. در این طومار، اعتراضی که اینها دارند اینست که چرا «آی ال او» با «خانه کارگر» در رابطه با اصلاحات در فصل ششم قانون کار که این اصلاحات مد نظر رفرمیستها هم است، تقاهم نامه امضا کرده است و حالا که «جبهه مشارکت» کنار گذاشته شده اینها را شرکت نداده اند، در صورتیکه بارها رفرمیستها چه با نامه نگاری و چه با خطابیه صادر کردن و حتی همایش برگزار کردن با نمایندگان شوراهای اسلامی (شاخکهای امنیتی-جاسوسی خانه کارگر) پایبندیشان را به قوانین ارتجاعی رژیم اسلامی سرمایه نشان داده اند. تشکل "مستقل" کارگری مورد نظر این جماعت هم انجمن صنفی است و در مصاحبه آقای ثقفی توضیح میدهد که: "بنای ما بر این است که تشکل های مورد نظر تنها و تنها منافع صنفی کارگران را در نظر داشته و کارپایه خود قرار دهند" و نیز میگویند: "طبق معاهده های بین المللی مربوطه، انجمن های صنفی برای تأسیس نیازی به کسب مجوز ندارند". البته پرسیدن ندارد که پس چرا این طومار به وزارت کار رژیم در رابطه با درخواست همین تشکل سندیکایی (انجمن صنفی) نوشته شده و اطلاعیه اعلام موجودیت انجمن صنفی مورد نظر شما نیست. با توجه به اینکه امضا کنندگان هم میتوانند اعضای انجمن شما باشند. جالب این است که شما

از بی حقوقی کارگران دم میزنید؟! ، اما این طومار را به حمایت از دهها حرکت اعتراضی که همین الآن مثل اعتصاب کارگران معدن البرز غربی ، اعتراض کارگران نساجی فومنات که با حمله نیروهای سرکوب رژیم مواجه شدند ، اخراج کارگران کارخانه کاشی حافظ، اعتراض کارگران شرکت «صنایع قطعات فولادی ایران» ، کارخانه قند میاندوآب، بافت بلوچ وو در جریان است تنظیم نکردید و تا به حال یک اطلاعیه از جانب همین محافل تنظیم کننده این طومار در رابطه با فعالین کارگری اول ماه مه سقز که هنوز به بیدادگاههای رژیم کشانده میشوند فقط تا این حد که اخبار مربوط به آنها را منعکس نماید ، اخراج کارگران ایران خودرو ، اعتصاب کارگران نساجی سنندج و ده ها نمونه دیگر داده نشده است . در واقع روشن است که سکوت محافل تهیه کننده این طومار در رابطه با مبارزه طبقاتی طبقه کارگر از منطق سیاست سازش طبقاتی پیروی میکند . منادیان سازش طبقاتی همواره، کارگران را از پرداختن به مسائل سیاسی منع کرده اند و در عوض اوراد منافع "صنفي"، مبارزه "صنفي" و تشکل "صنفي" را در گوش طبقه کارگر زمزمه نموده اند . درحالیکه مبارزات اقتصادی و مبارزات سیاسی طبقه کارگر تفکیک ناپذیر است . در نتیجه اینها در پی برپاکردن دفتر و دستک سندیکا(انجمن صنفي)، این طومار را تهیه نموده اند تا از وزارت کار رژیم اسلامی مجوز بگیرند . همانطور که اشاره شد قبلاً «جبهه مشارکت» به این کار مبادرت نمود و سازمان جهانی کار(آی ال او) هم ، آنها را نمونه های سندیکای مستقل برطبق مقاوله نامه اعلام کرد و تأیید نمود و در حال حاضر نیز «خانه کارگر» تبدیل «شوراهای اسلامی کار» را بنام انجمن صنفي در دستور کار دارد .

در اینجا بهتر است که طومار را از همین زاویه دنبال کنیم . تهیه کنندگان طومار خواستار حق آزادی تشکیل انجمن صنفي برای کارگران شده اند . از منظر اینها توده های مردم کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی، یکی از دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری بحساب نمی آیند . طبقه ای که جنبش طبقاتی اش ضد سرمایه داری و علیه اساس استثمار _کارمزدی_ و علیه تمامی مصیبتهای ناشی از نظام سرمایه داری است . اینها این طبقه اجتماعی را صنفي در درون جامعه سرمایه داری قلمداد میکنند . به بیان دیگر بر این باورند که جامعه سرمایه داری نه از دو طبقه متخاصم و متضاد المنافع فروشندگان نیروی کار در یکسوی و صاحبان سرمایه در سوی دیگر، بلکه از اصناف مختلف و بطور مثال صنف بزاز ، بقال ، کامیوندار ، بساز و بفروش ، کارگران ساختمانی ، معلم ، پرستار و کارگر فلزکار و مانند اینها تشکیل می شود . هر کدام از این اصناف هم حق و حقوقی دارند که باید در نظر گرفته شود . کارفرما به مقتضای حقوق صنفي خود محق است که کارگر را استثمار کند، کارگر هم حق دارد در باره این استثمار با کارفرمایش چانه بزند . این درک به روشنی نشان می دهد که به زعم دست اندرکاران تهیه طومار، بالاترین حق و حقوق کارگران بجز چانه زدن با اصناف مختلف کارفرمایان؟! هیچ چیز دیگری نیست . از این گذشته در این دیدگاه طبقه کارگر دیگر نه فقط یک طبقه نیست بلکه در درون خود هم مشتکی اصناف پراکنده با منافع متفاوت و مختلف می باشد . اینکه کارگران در سازمانیابی مبتنی بر این نوع تحلیلها و راه حلها به چه نتایجی خواهند رسید موضوعی است که بنظر می رسد معرف حضور همگان باشد _یعنی اینکه طبقه کارگر باید طوق بردگی سرمایه داری را بعنوان سرنوشت مقدر و محتوم برای همیشه بر گردن داشته باشد .

تهیه کنندگان طومار به جنبش کارگری و سازمانیابی آن اینگونه فکر می کنند اما مشکل آنان به این محدود نمی گردد، واقعیت این است که هم آنان و هم طرفداران داخل و خارج کشورشان به زشت ترین شکلی به کارگران

دروغ می گویند . آنان خود خوب می دانند که عوارض این نوع عریضه نویسی ها و تلاشها چیست اما واقعیت را به کارگران نمی گویند، از اینها باید پرسید که شما در چارچوب سیاست سازش طبقاتی خود، از مطالبات روزمره کارگران و اینکه کار داشته باشند و نان داشته باشند صحبت می کنید . چرا به توده های کارگر نمی گوئید که همین مطالبات اولیه را چگونه با این درک از جنبش کارگری و متشکل شدن آن می خواهید یا می توانید متحقق سازید؟

شما از وزارت کار رژیم سرمایه داری اسلامی تقاضای حق تشکل می کنید . بنا بر شواهد تاریخی ، رژیمهای سرمایه داری ایران در هر دوره فقط تشکلهایی را پذیرفته اند که وجود آنها را با ملزومات بازتولید سرمایه در انطباق ببینند، نمونه سندیکاهای دست ساز ساواک ، نمونه سازمانهای کارگری وابسته به کابینه قوام یا حزب ارتجاعی چاقوکشان بقائی و آیت، انجمنهای اسلامی یا شوراهای اسلامی کار و انجمن صنفی و امثال اینها، در غیر این صورت دولت بورژوازی مسلماً زیر بار نمی رود . اگر شما مدعی هستید که تشکل مورد نظر شما کماکان ضد کارگر و ابزار سلطه سرمایه داری بر کارگران نیست بطور قطع با جواب منفی مواجه خواهید شد . بنابر این، سؤال این است که در این حالت چه می کنید، دو راه بیشتر در پیش پا ندارید . اول اینکه به سیاق تا کنونی باز هم به عریضه نویسی، ادامه دهید و همچون گذشته به شیوه اسلاف خود کارگران را در انتظار ترحم سرمایه داران سر بدوانید و از مبارزه واقعی و کارساز طبقاتی باز دارید . حالت دوم این است که از این توهم آفرینی دست بکشید و رک و صریح به کارگران اعلام کنید که باید خودشان متشکل شوند و علیه سرمایه داران و دولت آنها و علیه تمامی نظام سرمایه داری وارد کارزار شوند، چیزی که فعالین جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر گفته اند و می گویند . بدیهی است که شما اهل انتخاب دوم نیستید، بنابراین تنها کار شما این است که باز هم به کارگران دروغ بگویید . شما دارید آگاهانه کارگران را دنبال نخود سیاه می فرستید ، به آنان مبارزه قانونی و مبتنی بر توافق دولت سرمایه داری را توصیه می کنید، آنان را با سیاستهای نوع «کشیش گابون» به مسلخ دولت سرمایه داری اسلامی می کشانید . چرا به آنان نمی گوئید که متشکل شدن حق محرز آنان است . چرا به امضاء کنندگان طومار نمی گوئید به رژیم اسلامی اخطار کنند که تشکیلات خود را بوجود آورده اند و از این پس با نیروی متشکل طبقه خود برای تحقق مطالباتشان مبارزه می کنند و.....

در پایان نکته دیگری نیز لازم است مطرح شود . رفرمیستها در داخل و خارج بلوا راه انداخته اند که هر گونه انتقاد به این طرح یا حرکت ، بی توجهی به امر متشکل شدن کارگران است . اینها همیشه با این حرفها به عوام فریبی پرداخته اند و با همین حرفها بزرگترین سد را بر سر راه متشکل شدن واقعی و متکی به قدرت کارگران بوجود آورده اند . حرف این جماعت راندن طبقه کارگر به منجلاب قانونیت سرمایه داری است . قانونیت سرمایه داری نیز تشکلی منطبق بر منافع کارگران را بر نمی تابد . کارگران باید با زیر پا نهادن این قانونیت و دست رد کوبیدن بر سینه رفرمیستها و با اتکا به قدرت مبارزه طبقه شان متشکل شوند و مبارزه خود علیه سرمایه داری را به پیش ببرند .